

روایت سوم

دختران روایتگر وطن

(عکاسی در بحران، ابزاری برای بیان احساسات و بازتاب وضعیت اجتماع)

به کوشش: سرکار خانم زینب‌سادات میرصالحی / هنرآموز رشته عکاسی و فتوگرافیک
هنرستان فنی حرفه ای مائده/ بندرگز/ گلستان

مقدمه

با شروع جنگ رمضان و حملات همه جانبه آمریکا و اسرائیل به ایران، و متعاقب آن شهادت رهبری و ترور مقامات ارشد کشور، فضای آموزشی کشور دستخوش تغییرات بی سابقه‌ای شد.

درس عکاسی که پیشتر در فضای کلاس و با سوژه‌هایی مانند راهپیمایی‌های رسمی (۲۲ بهمن، روز دانش‌آموز، روز قدس و...) تمرین می‌شد، ناگهان با واقعیتی تلخ و پیچیده روبرو گردید.

به‌عنوان معلم عکاسی، وظیفه خود دانستم که دانش‌آموزان را از تئوری به عمل میدانی در بطن حوادث تاریخی هدایت کنم. این گزارش روایتگر چگونگی تبدیل کلاس درس به خیابان‌های شهر، شکل‌گیری تیم‌های عکاسی دانش‌آموزی و دستاوردهای آموزشی، تربیتی و هویتی این تجربه است.

سوال اصلی و مهم این بود: وظیفه من بعنوان معلم عکاسی در این برهه تاریخی حساس و مهم چیست و چطور و چقدر میتوانم اثرگذار باشم؟

این سوال، نقطه عطفی در تفکر من درباره نقش هنر و عکاسی نسبت به ارتباط دانش‌آموزان و جامعه شد.

به عنوان معلم عکاسی، وظیفه من در این شرایط حساس و مهم، هدایت دانش‌آموزان به سوی شناخت هویت ملی و اجتماعی خود از طریق عکاسی بود تا بتوانم سهمی در تغییر و تحول اجتماعی داشته باشم و رسالت خود بعنوان معلم عکاسی را انجام دهم.

من باید آن‌ها را به چالش میکشیدم تا احساسات و واقعیت‌های جامعه را ثبت کنند. بنابر این سعی کردم کلاس درس را از مدرسه و کتاب به سطح خیابان‌ها و کنار مردم ببرم.

من با تشویق به عکاسی و بیان احساسات و فراهم کردن فضا برای ابراز خلاقیت، هنرجویان را در مسیر درست هدایت کردم. این کار نه تنها مهارت‌های فنی، بلکه حس مسئولیت‌پذیری و همدلی آن‌ها را نیز تقویت کرد.

با توجه به حساسیت‌های موجود، ایجاد فضایی امن برای دانش‌آموزان ضروری بود. این فضا به آن‌ها اجازه داد که بدون ترس از قضاوت، احساسات خود را بیان کنند و در عین حال از عکاسی به‌عنوان وسیله‌ای برای دفاع از هویت خود استفاده کنند.

در این جریان هنرجویان لمس کردند که هنر مسئولیت است و دوربین ابزار دفاع از هویت و پایداری و هدف فقط عکاسی از جمعیت نیست بلکه هدف ثبت روح ایستادگی و مقاومت مردم است.

این تجربه نشان می‌دهد که عکاسی می‌تواند ابزاری قدرتمند برای بیان هویت، احساسات و واقعیت‌های اجتماعی باشد. با وجود چالش‌ها، دانش‌آموزان توانستند با استفاده از دوربین، داستان‌های ناگفته‌ای از جامعه را روایت کنند.

در ابتدای کار، دو گروه مختلف از دانش‌آموزان وجود داشتند:

- گروه اول: دانش‌آموزانی که با شرایط موجود موافق بودند و با اشتیاق عکاسی می‌کردند.
- گروه دوم: دانش‌آموزانی که مخالف بودند و در ابتدا تمایلی به شرکت در این فعالیت‌ها نداشتند.

کار زمانی سخت شد که مخالفت برخی خانواده‌ها نیز علنی و با رفتارها و حرف‌های تند عنوان شد. همراه کردن این دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان سخت‌ترین قسمت کار من بود.

برای افزایش مشارکت هنرجویان، به آنها انگیزه داده شد تا از طریق نمایش عکس‌ها در گروه مجازی شاد، احساس تعلق و مسئولیت بیشتری نسبت به کار خود پیدا کنند و بقیه هم تشویق به عکاسی شوند.

این تغییر نگرش نشان‌دهنده‌ی تأثیر مثبت عکاسی بر روی آن‌ها بود و باعث شد که عکس‌های زیبایی ثبت کنند که نمایانگر هویت ملی و احساسات مردم بود.

با گذشت زمان و انتشار عکس‌ها در گروه‌ها و کانال‌های شهری و تشویق هنرجویان به رفع ایرادات و اصلاح عکس‌ها و مشاهده‌ی نتایج مثبت فعالیت‌ها، گروه دوم نیز مشتاق شدند و به جمع دانش‌آموزان موافق ملحق شدند؛ اما همچنان خانواده‌هایی بودن که مخالفت داشتند.

برای آن دانش‌آموزان نیز پیشنهادهایی داده شد مانند عکاسی از بنرهای تسلیت اداره‌ها و شرکت‌ها و مدارس و...، پوسترهای پشت شیشه‌های مغازه‌ها و ماشین‌ها و....

اینگونه آنها نیز در این شرایط سهمی داشته و مشارکت کردند و خانواده‌ها هم راضی بودند.

کم‌کم برای انسجام و جذابیت بیشتر، موضوعی عکاسی کردیم، مثل پرچم، کودک، پلاکارد و.... این فعالیت‌ها باعث افزایش مشارکت دانش‌آموزان در مسائل اجتماعی و فرهنگی شد. آن‌ها با استفاده از دوربین، توانستند به احساسات و واقعیت‌های جامعه نزدیک‌تر شده و موجب ایجاد حس همدلی و مسئولیت‌پذیری در جامعه شوند. همچنین به ارتقاء مهارت‌های عکاسی هنرجویان نیز کمک شایانی شده است.

وظیفه عکاس در شرایط بحران، فراتر از ثبت تصویر، **«روایتگری حقیقت»** و **«مستندسازی مقاومت»** است. اثرگذاری در این حوزه با سه رویکرد ممکن می‌شود:

- آموزشی

تربیت نسلی از عکاسان متعهد که بتوانند در لحظات حساس، چشم بیدار جامعه باشند.

- رسانه‌ای

تولید تصاویر معتبر و انتشار آنها برای آگاهی‌بخشی به افکار عمومی داخل و خارج از کشور.

- تاریخی

ثبت وقایع برای نسل های آینده تا حقیقت مقطع، مخدوش نشود. در این پروژه با حضور دانش آموزان دختر، دوربین و آموزش میدانی، توانستم تأثیری مستقیم بر روحیه جمعی، همدلی شهری و ثبت حافظه تاریخی داشته باشم.

کارهای انجام شده

الف) عکاسی شبانه از تجمعات مردمی

- توضیح: دانش آموزان در شب های متوالی (حتی در ماه رمضان و با وجود هوای سرد و بارانی) در تجمعات شرکت کرده و از تجمعات و احساسات مردم عکاسی کردند.
- نکته ویژه: اوایل کار بخاطر ترس و خجالت، عکس ها عمدتاً از پشت سر سوژه ها بود، اما به مرور با افزایش جسارت، عکاسی از روبرو و نزدیک انجام شد و سوژه های انسانی هم بیشتر شد.

ب) جلسات نقد عکس کلاسی توسط معلم در فضای مجازی شاد

- توضیح: هر شب عکس های ارسالی توسط دانش آموزان در گروه شاد بارگذاری و توسط معلم نقد می شد. نقاط قوت هر اثر بیان و هنرجویان تشویق به تولید آثار بهتر می شدند. هر دانش آموز مشتاق و منتظر بود که کدام عکس هایش در گروه به نمایش گذاشته شده و به نقد گذاشته می شود و خواهان نقد عکس هایش بود تا در شبهای بعدی اصلاح کند.
- دستاورد: این جلسات، انگیزه ای قوی برای مشارکت بیشتر دانش آموزان ایجاد کرد (از ۳ نفر به ۱۱ نفر و بعد به کل کلاس.

ج) برگزاری جلسات نقد حرفه ای

به منظور ارتقاء کیفیت کار هنرجویان، جلسات نقد و بررسی هنرجویان توسط عکاسان مشهور و تاثیرگذار شهر بندرگز در مقام کشوری توسط آقایان ساتیار امامی و رضا وهمی برگزار شد که بشدت روحیه هنرجویان را تقویت و باعث ایجاد انگیزه فراوان برای ادامه مسیر شد.

د) پخش کلیپ عکس های مردم از تلویزیون شهری

- توضیح: منتخب عکس ها در قالب کلیپ، از تلویزیون شهری بندرگز پخش شد.
- واکنش مردم: (لبخند، نشان دادن به یکدیگر، انتظار برای دیدن تصویر خود) نشان دهنده تأثیر عمیق این کار بر همدلی شهری بود. همچنین رضایت و تایید هنرجویان از آثارشان که منتشر میشد.

ه) برگزاری جلسه مجازی تقویت روحیه

جهت حفظ روحیه هنرجویان چه موافق و همراه و چه مخالف، جلسه ای به همت دکتر علی قربانی پژوهشگر و تحلیلگر حوزه آموزش و پرورش برگزار شد.

- توضیح: با بررسی برخی گره های ذهنی و پرخاشگری ها و مخالفت ها توسط دکتر قربانی، تأثیر عمیقی بر ادامه فرآیند و پشتکار هنرجویان داشت.

و) مراسم خاکسپاری شهید سید النگی

- توضیح: دانش آموزان در این مراسم نیز حضور یافته و لحظات سوگواری و همبستگی مردم را ثبت کردند ثبت احساسات مادر، خواهر، همسر و شرکت کنندگان تاثیر زیادی بر هنرجویان داشت. اینکه هم بر احساسات خود کنترل داشته و هم به وظیفه و رسالت عکاسی خویش بپردازند. این فعالیت، به عنوان یک رویداد عزاداری-مقاومتی، بخشی از مستندسازی بود.

فرآیند افزایش مشارکت دانش آموزان

دلیل اصلی مشارکت

نمایش عکس های برتر در گروه شاد و نقد حرفه ای آنها، باعث ترغیب سایر هنرجویان شد.

راهکارهای انگیزش

- تأکید بر رسالت عکاسی ثبت حقیقت، نه فقط فشار دادن شاتر؛
- تشبیه دوربین به «ابزار دفاعی و رسانه ای» در برابر «تفنگ» سربازان؛
- ایجاد فضای رقابت سازنده و تقدیر از عکس های خلاقانه.

تحول روانی

دانش آموزان از **ترس** اولیه به **«مسئولیت پذیری و تعهدکاری»** رسیدند. حتی آنهایی که خانواده هایشان مخالف بودند، با عکاسی از سوژه های جایگزین در این جنبش سهیم شدند.

دستاوردها و نتایج (در سه حوزه تربیتی، آموزشی و هویتی)

آموزشی

- تبدیل درس تئوری به کار میدانی؛

- یادگیری عکاسی خبری در شرایط واقعی و شبانه؛
- آشنایی با مدیریت سوژه در محیط های پرتنش.

تربیتی

- رشد جسارت و اعتماد به نفس در هنرجویان؛
- تقویت حس مسئولیت اجتماعی و تعهد اخلاقی؛
- پذیرش نقد پذیری و بهبود مستمر.

هویتی

- تقویت هویت ملی و دینی از طریق ثبت روحیه مقاومت؛
- درک نقش هنر به عنوان بازوی پایداری و امید؛
- تبدیل دوربین به نماد دفاع از هویت و حقیقت.

نقاط قوت و ضعف طرح

نقاط قوت

- تبدیل کلاس درس به فضای باز شهری و ارتباط مستقیم با مردم؛
- استفاده از بستر مجازی (شاد) برای آموزش و تشویق؛
- رشد چشمگیر کمی و کیفی عکس ها از ۳ نفر به کل کلاس، تغییر زاویه دید از پشت به روبرو و جسارت روبرو و نزدیک شدن به سوژه؛
- بازخورد مثبت مردمی اشتیاق برای دیدن عکس هایشان در تلویزیون شهری.

نقاط ضعف

- محدودیت های شدید برای عکاسان زن (ممانعت از ورود به برخی فضاها، سخت گیری های امنیتی)؛
- ترس اولیه دانش آموزان از نزدیک شدن به سوژه و فضای ناآرام؛
- نبود حمایت کامل برخی خانواده ها در ابتدای کار؛
- کمبود تجهیزات حرفه ای (مانند دوربین های حرفه ای و لنزهای مناسب).

- محدودیت های ویژه عکاسان زن

دانش آموزان دختر با چالش های مضاعفی مواجه هستند:

- ممانعت مأموران از عکاسی در برخی نقاط؛

- عدم صدور مجوز برای حضور در برخی تجمعات؛
- نگرانی خانواده‌ها از ایمنی فرزندان در شب.

با وجود این محدودیت‌ها، هنرجویان با **پایداری** و **خلاقیت** در انتخاب سوژه‌های جایگزین توانستند نقش مؤثری ایفا کنند و در روزهای آخر، حتی مأموران نیز همکاری بیشتری نشان دادند.

پیشنهادات سازنده

۱. ایجاد کارگاه‌های عکاسی بحران برای مدارس سایر مناطق، با تمرکز بر عکاسی شبانه و موقعیت‌های پرتنش.
۲. تجهیز هنرستان‌ها به دوربین‌های حرفه‌ای و لنزهای مناسب برای شرایط نوری ضعیف.
۳. تشکیل شبکه مجازی از عکاسان دانش‌آموز برای تبادل تجربه و انتشار منسجم آثار.
۴. هماهنگی با نهادهای امنیتی و شهرداری برای تسهیل حضور عکاسان زن در رویدادهای عمومی.
۵. گنجاندن درس **«اخلاق عکاسی در بحران»** در سرفصل‌های آموزشی هنرستان.
۶. انتشار عکس‌ها و تشویق هنرجویان توسط مسئولین با روش‌های مناسب جهت ادامه و تکرار مسیر.

جمع‌بندی نهایی

این پروژه میدانی نشان داد که هنر، به‌ویژه عکاسی، در سخت‌ترین لحظات تاریخی می‌تواند به **«بازوی پایداری و امید»** تبدیل شود. دانش‌آموزان با عبور از ترس، به عکاسانی مسئول و متعهد بدل شدند که نه تنها تصویر، بلکه روح ایستادگی و مقاومت را ثبت کردند. دوربین در این مسیر، از یک ابزار آموزشی، به **«ابزاری برای دفاع از هویت و رسانه‌ای برای حقیقت‌یابی»** ارتقا یافت.

این تجربه، الگویی است برای تلفیق آموزش با مسئولیت اجتماعی، و نشان می‌دهد که معلم عکاسی می‌تواند در مقاطع حساس، نقش یک راهبر فرهنگی را ایفا کند.

امیدوارم با ادامه این مسیر، بتوانیم تأثیر مثبتی بر روی جامعه بگذاریم و صدای مردم را از طریق هنر به گوش دیگران برسانیم.

نمونه عکس‌ها

(تصاویر توسط هنرجویان خانم‌ها فاطمه زهرا سالاری، مطهره جعفری، ملینا محمدیان، ساجده میرمحمدی، فاطمه زهرا گزی، الناز مخدومی، کیمیا راموز، یگانه پنجه کوبی، فاطمه قدرتی، مهدیس آدینه و یلدا فدایی ثبت شده است.)










خداحافظ ای داغ بر




شهادت قائد امت رهبر معظم انقلاب اسلامی
را به مردم و ایستادار تسلیت عرض مینمایم.















گر پدر نیست
تفنگ پدری هست هنوز



پوشش تصویری خبری مراسم تشیع رهبر شهید در تهران







هنرجویان در حال فعالیت و ثبت تصاویر در تجمعات شبانه




جلسه نقد عکس با حضور جناب آقای ساتیار امامی


